

چریک انقلاب

۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۳ ساعت ۱۳:۰۳

این کتاب به شرح بخشی از زندگی پر فراز و نشیب شهید دکتر مصطفی چمران پرداخته، تا برای خواننده به ویژه نسل جوان که با شخصیتی چون شهید دکتر مصطفی چمران آشنا نیست و فقط وی را شهیدی می‌پندارد در خیل شهدای دفاع مقدس، آشنایی ایجاد کند.

معرفی کتاب

چمران، مبارز و مجاهدی که شرح مبارزاتش نیازمند دایره‌المعارفی بس عظیم است این روزها گوشه‌ای از سرگذشت سراسر شیدایی وی در کتابی تحت عنوان «مرد رؤیاها» به رشته تحریر درآمده و در بازار نشر به چشم می‌خورد.

«مرد رؤیاها» اثری است به قلم سید مهدی شجاعی که انتشارات نیستان آن را منتشر کرده است. این کتاب که در پاییز ۱۳۹۲ از آن رونمایی شده با آغاز تبلیغات تلویزیونی آن از ابتدای سال ۱۳۹۳ بیشتر از قبل در کانون توجه قرار گرفته است.

این کتاب به شرح بخشی از زندگی پر فراز و نشیب شهید دکتر مصطفی چمران پرداخته، تا برای خواننده به ویژه نسل جوان که با شخصیتی چون شهید دکتر مصطفی چمران آشنا نیست و فقط وی را شهیدی می‌پندارد در خیل شهدای دفاع مقدس، آشنایی ایجاد کند. «مرد رؤیاها» به بیان دوره‌ای از زندگی شهید چمران پرداخته که کمتر از آن صحبت شده و کمتر دیده شده است. دیده شدن از آن حیث مورد اشاره قرار گرفت، زیرا این کتاب در قالب یک فیلمنامه به شرح زندگی چمران پرداخته است. سرگذشت چمران در آمریکا، مصر و لبنان در این کتاب بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و به مخاطب ارائه شده است.

یک روایت ساده و روان که می‌کوشد چهره واقعی چمران را نمایش دهد. چمران چریک در کنار چمرانی که به شدت عاطفی بوده و روابط عاطفی در زندگی را در کنار آموزش‌های نظامی و عملیات‌های چریکی و فعالیت‌های سیاسی فراموش نمی‌کند. این اثر به زیبایی توانسته در ۵۲۸ صفحه بخشی از زندگی شهید مصطفی چمران را روایت کند علاوه بر اینکه شخصیت چند بعدی وی را نیز در ذهن خواننده به تصویر بکشد.

در این فیلمنامه، نویسنده‌ای که مشغول تحقیق برای نوشتن داستانی درباره شهید چمران است به دست‌نوشته‌های وی درباره

خودش دست پیدا می‌کند و این دست‌نوشته‌ها او را به سال‌های جوانی و حضور شهید چمران در آمریکا می‌برد.

فصل نخست با ابراز علاقه همسر آمریکایی چمران به وی آغاز می‌شود و شرحی از زندگی مصطفی و پروانه که هر دو در کودکی سختی کشیده‌اند و به اینجا رسیده‌اند. روایت قسمتی‌هایی از کودکی مصطفی پیشینه‌ای از دوران کودکی و نوجوانی و نبوغ خارق العاده وی ارائه می‌کند. این نبوغ بهانه‌ای می‌شود تا نویسندگان اندیشه‌های چمران که بر پایه اسلام بنا نهاده شده است را برای مخاطب بیان کند.

در قسمتی که چمران خاطره‌ای از کودکی در کارگاه پدری و ابداع یک قطعه مهم از دستگاه‌های کارگاه که در آن زمان وارد نمی‌شده است را برای پروانه تعریف می‌کند و اینکه بعد از آن چگونه آن را به قیمت ارزان و در حقیقت رایگان به فروش رسانده‌اند با واکنش و تعجب پروانه روبرو می‌شود که چرا از آن سودی نبرده‌اند و آیا سود بردن از آن اشکال داشته، که چمران در پاسخ می‌گوید: «از دیدگاه اقتصاد کاپیتالیستی و آمریکایی نه؛ ولی از دیدگاه اقتصاد اسلامی اشکال داشت».

سپس در ادامه شاهد مبارزات چمران و سایر دانشجویان ایرانی علیه حکومت پهلوی و دستگاه امنیتی آن یعنی ساواک، در آمریکا در مقابل مقر سازمان ملل متحد هستیم. آنها با برنامه‌ریزی و در لباس توریست و بازدیدکننده وارد ساختمان سازمان ملل شده و در یکی از نقاط اقدام به تحصن می‌کنند و سایر دوستانشان نیز در بیرون با اطلاع رسانی به رسانه‌ها این حرکت را رسانه‌ای می‌کنند.

این اقدام ضربه محکمی بر پایه‌های حکومت پهلوی وارد می‌کند و بر کوس بی‌آبرویی آنها در مجامع بین‌المللی می‌نوازد. در این کتاب به خوبی پرده از چهره سازمان ملل متحد برداشته شده، آنجا که یکی از راهنمایی‌کنندگان به ادای جمله‌ای پر طمطراق می‌پردازد: هر دولت و ملتی برای احقاق حق خود می‌تواند بر روی سازمان ملل حساب کند. و در جواب یکی از دوستان چمران به نام محمد می‌گوید: در عرف دیپلماتیک به این قبیل توضیحات می‌گن: توضیحات توریست خر کن!

«مرد رؤیاها» به معرفی چمران فیزیک پلاسما و نخبه نیز پرداخته است. او که توانسته مدارج علمی را طی کند و به نقطه استثنایی برسد از سوی استادش مورد نصیحت واقع می‌شود تا دست از فعالیت‌های سیاسی بردارد و به کار علمی بپردازد و موقعیت پیش آمده را از دست ندهد. چمران از سوی یک آزمایشگاه موسوم به «بل» دعوت به کار شده و ماهانه بیست هزار دلار دستمزد چمران است. دکتر چمران در پاسخ به استاد و در توجیه مبارزات سیاسی بر ضد رژیم ایران می‌گوید: «واقعیت منم؛ پیش چشم شما. من در ایران استثنای نیستم، قاعده‌ام. ایران پُره از جوان‌هایی مثل من و بهتر از من ولی امکان رشد برایشون فراهم نمی‌شه.»

در این کتاب سعی شده به ظلمی که به مبارزان سیاسی و مذهبی ایرانی در دوران طاغوت رفته است از زبان چمران اشاره شود. او به تبعید رهبر مذهبی مردم (امام خمینی (ره)) نیز اشاره می‌نماید. حساسیت شجاعی در بیان صریح مبارزات دانشجویان در قبل

از انقلاب به دور از هرگونه تقسیم بندی سیاسی بعد از انقلاب و نشان دادن سابقه تاریخی فعالیت افراد بر ضد رژیم با نثری روان و صمیمی بر جذابیت این کتاب افزوده است.

در ادامه کتاب با تغییر تصمیم چمران برای ادامه مبارزات ضد رژیم شاه روبرو می‌شویم، که با تعجب دوستان وی در آمریکا روبرو می‌شود. او با بیان اینکه قصد دارد به مصر سفر نماید و در آنجا از حمایت جمال عبدالناصر رهبر مصر برای آموزش‌های نظامی بهره ببرد، فصل جدیدی از زندگی خود را به مخاطب نشان می‌دهد. او پس از مدتی اقامت در مصر و فرا گرفتن آموزش‌های نظامی و تربیت گروه‌های مختلف چریکی ناگهان تصمیم می‌گیرد که مصر را ترک کرده، که این بار نیز با تعجب دوستانش روبرو می‌شود. اما با چمران با بیان این موضوع که جمال عبدالناصر از وی خواسته تا با راه اندازی رادیوی ضد ایران و آغاز عملیات‌های مسلحانه علیه رژیم به نوعی جبران خدمات وی را کرده باشد، تصمیم به ترک مصر گرفته است. او در پاسخ به یکی از همراهان که می‌گوید مگر ما چیزی جز این می‌خواستیم که بتوانیم رو در روی رژیم مبارزه کنیم؟ می‌گوید: توسلی تازه از نجف آمده، بپرس نظر آیت الله خمینی (امام/هنوز در آن زمان لقب امام برای رهبر کبیر انقلاب استفاده نمی‌شده است) راجع به جنگ مسلحانه چی بوده؟ و توسلی در جواب می‌گوید: ایشون اصلا کار مسلحانه رو صلاح نمی‌دونن. معتقدند فقط باید روی بیداری و اتحاد مردم کار کرد.

«مرد رؤیاها» تصویری از چمران شیعه و مبارز که در بندگی ذات حق تعالی بسیار می‌کوشد را به مخاطب عرضه کرده است. چمران بعد از خروج از مصر و آشنایی با امام موسی صدر رهبر مبارزات شیعیان لبنان اقدام به پیاده نمودن آموزش‌های نظامی در میان نوجوانان و جوانان لبنانی می‌نماید و در تاسیس جنبش «امل» (افواج مقاومت لبنان) در کنار امام موسی صدر حضور دارد. او در جریان حمله فالانژها و جنگ داخلی در لبنان به حلقه مقاومت مردمی در منطقه نبعه می‌پیوندد. چمران با استفاده از ترفندهای گوناگون به صورت پیوسته در رفت و آمد میان نبعه و محل اقامت امام موسی صدر است. محاصره بر مردم نبعه سخت شده و در یکی از مقاطع سید محمد حسین فضل الله به چمران می‌گوید: به آقا موسی بگو فضل الله گفت: نبعه یعنی لبنان، نبعه یعنی اسلام، نبعه یعنی مظلومیت تمام، نبعه یعنی زخم تاریخی شیعه، نبعه یعنی عاشورا، نبعه یعنی کربلا.

شجاعی در «مرد رؤیاها» به زیبایی توانسته وارد فضای مبارزان شیعی منطقه نبعه شود و حال و روز آنها را برای مخاطب روایت کند. چمران که بدون خستگی مشغول رسیدگی به امور است در برخورد با تعدادی رزمنده اینطور با آنها گفت و گو می‌کند.

رزمنده ۳: دکتر ما باید چه کار کنیم؟ ما به خاطر اینکه امام حسینی هستیم، باید همینطور بسوزیم و بسازیم؟! چمران: عاشق بودن بالاخره تاوان داره. رزمنده ۲: دکتر! به ما اسلحه برسون! ما تا همیشه خدا به عشق حسین واستادیم.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۰۳۷/انقلاب-چریک/>